

تأثیر آیات در افراد مختلف است

پاسخ - عبارات صحیح و بیانات فصیح است ولی امثال نفوسی که بغض و تعصب و غرض در گفتارشان آشکار است و کلمات و عبارات را به غلط نقل می کنند ، معلوم است که معانی لطیف عرفانی چهره زیبای خود را از امثال آنان پوشیده است .
مولوی علیه الرحمه در جواب منکرین و مخالفین ، نیکو گفته است:

- | | |
|----------------------------|--------------------------------|
| آب نیل است این حدیث جانفزا | یاربش در چشم قبطی خون نما (۱) |
| یا تو پنداری که حرف مثنوی | چون بخوانی رایگانش بشنوی؟ (۲) |
| یا کلام حکمت و سر نهان | اندر آید سهل در گوش کهان؟ (۳) |
| اندر آید لیک چون افسانه ها | پوست بنماید نه مغز دانه ها (۴) |
| در سر و رو درکشیده چادری | رو نهان کرده ز چشمت دلبری (۵) |

آیات الهی نیز همین گونه است . مومنین می خوانند و مصداق آیه شریفه:

((و اِذَا سَمِعُوا مَا اُنزِلَ اِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَى اَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا اِنَّمَا فَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ)) (۶) می گردند .

یعنی ، وقتی که آیات الهی را که به فرستاده خدا فرود آمده بشنوند از تأثیر آن آیات از دیده هایشان اشک شوق جاری گردد و از آنچه از حق شناختند ، می گویند: ای پروردگار ، ما گرویدیم ما را از شاهدان بنویس .

اما منکرین و مخالفین می گویند: ((قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا اِنْ هَذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ)) (۷) یعنی ، هنگامی که آیات خدا برایشان خوانده شود می گویند: شنیدیم . اگر می خواستیم مانند آن می گفتیم نیست این مگر افسانه های پیشینیان .

و یا می گویند: ((اِنَّا لَنَارِكُوا اَلِهَتِنَا لِشَاعِرِ مَجْنُونٍ)) (۸) یعنی : آیا ما خدایان خود را (که به آنها خوی گرفته و اُنس داریم) برای گفتار شاعری مجنون رها کنیم؟ یا با خود پسندی و تحقیر به مومنان می گفتند:

۱- مثنوی ۴/ ۳۴۳۱ ۲- ایضاً ۴/ ۳۴۶۰ ۳- ایضاً ۴/ ۳۴۶۱ ۴- ایضاً ۴/ ۳۴۶۲ ۵- ایضاً ۴/ ۳۴۶۳

۶- قرآن ۵/ ۸۶ ۷- ایضاً ۸/ ۳۱ ۸- ایضاً ۳۷/ ۳۵

((انوء من كما آمن السقها)) (۱) یعنی آیا ما هم مانند نادانان که گرویده اند بگرویم؟ مومنان را نادان پنداشتند و خود را که منکر تعالیم حیات بخش رسول خدا بودند، دانا تصور کردند.

عجیب تاریخ و حوادث زمان تکرار می شود و چون فصول سال تجدید می گردد.

((سنة الله التي قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً)) (۲) روش الهیست و هرگز تبدیل نیابد ((سنه من قد ارسلنا قبلك من رسلنا ولا تجد لسننتنا تحويلاً)) (۳) روشی است که قبلاً رسولان خود را فرستادیم و تغییری در آن نیابی، و نیز در سوره نحل این آیه چنین تکرار شده: ((وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ)) (۴) یعنی، در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم و گفتیم خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید. از آن امت کسانی بودند که خداوند آنان را هدایت کرد و کسانی نیز سزاوار بودند تا در گمراهی بمانند. در روی زمین سیر کنید و عاقبت تکذیب کنندگان را بنگرید که چگونه بوده است.

نمونه دیگر از اغلاط کتاب

نویسنده کتاب ردیه، در یک لوح عربی که تقریباً هیجده (۱۸) غلط نوشته بود، میگوئیم: شاید ایشان به عربی وارد نبوده، اغلاطی مرتکب شده. در نقل فارسی ها نیز اغلاط زیادی دیده می شود. برای نمونه اغلاط صفحه ۶۰۸ و ۶۰۹ در زیر ذکر می شود:

<u>صفحه</u>	<u>سطر</u>	<u>غلط</u>	<u>صحیح</u>
۶۰۸	۶	جبل کرسل	جبل کرمل
"	۸	من الله	جمله کامل نوشته نشده
"	۹	جمهوریت پناسا	جمهوریت پناما
"	۱۱	بوگاندا	یوگاندا
"	۲۳	امتناع دائره	اتساع دائره
۶۰۸	۲۷	احکام منصوبه کتاب	احکام منصوصه کتاب
۶۰۹	۴	مائره موقوفات	دائره موقوفات
"	۷	مرقه بقیه البها	مرقد بقیه البها
"	۷	رمیسن اطهرین	رمسین اطهرین
"	۷	غضن شهید	غصن شهید
"	۱۲	مقر بحسن اکبر	مقر سجن اکبر
"	۱۶	خطائر قدس	حظائر قدس
"	۱۹	خواصم و مدن	عواصم و مدن
"	۲۴	اشترتا کف آمار الرحمن	اشتراک اماء الرحمن
"	۲۴	آوار الرحمن	اماء الرحمن
"	۲۷	عرض اقدس	ارض اقدس

وقتی که کلمه ای در جمله غلط نقل شود مسلماً معنی و مفهوم آن جمله مبهم و

نادرست به نظر میاید *

نگین اسم اعظم



در صفحه ۶۱۷ نقش نگین اسم اعظم را کشیده و مقایسه با علائم فراماسونی نموده است .

پاسخ - این نقش نگین انگشتری است شامل اعتقاد بهائی. رموز آن را در لوحی حضرت عبدالبهاء بیان فرموده اند و خلاصه ای است از عالم حق در بالا و عالم خلق در پائین و واسطه ارتباط حق و خلق که عالم امر مظهر الهی می باشد . تمام قسمت های این نقش توضیح داده شده و هیچ رابطه ای با علامت فراماسونی ندارد . و دو (ب) که رابط بین حق و خلق است اشاره به باب و بهاء الله است و همچنین دو ستاره .

آقای ردیه نویس اغلاطی عجیب در صفحات مختلف نوشته است . مثلاً در صفحه ۶۱۹ ((دیانت مقدسه بهائی)) را ((دیانت مقدسه بهائی)) و ((ان ازداد لایس)) را ((ان از لایس)) و ((غصن الله الاطهر)) را ((محضن الله الاطهر)) و ((نقشه سنیه)) را ((نقشه صمیعه)) و ((مراقده مقدسه)) را ((مراقه مقدسه)) و در صفحه بعد ((جشن مئوی)) را ((جشن مثنوی)) و ((مفصله الاسامی)) را ((مغطله الاسامی)) و ((اکیلیل جلیل)) را ((اکیلیل جلیل)) و ((حضرات ایادی)) را ((حضرت ایادی)) نوشته است .

جمشید معانی و ادعایش

در صفحه ۶۲۱ عکسی از جمشید معانی گذاشته و زیر آن نوشته است:

((شخص دیگری به نام جمشید معانی در اندونزی خود را بهاء الله رهبر بهائیان خوانده و جملات عربی (عربی به شیوه باب) نازل فرموده اند و ضمناً در شب آخر ژانویه ۱۹۶۶ به معراج رفته اند تا مصداق: هر دم از این باغ بری می رسد ، در مورد بهائیت عینیت بیشتری یابد))

پاسخ - اما چیزی از عربی ایشان نقل نکرده است که ملاحظه شود و چنانچه نوشته معلوم می شود از واقعه و تاریخچه زندگی و حرف های جمشید معانی اطلاعی ندارد و شایعاتی شنیده است *

این شخص جوانی بوده بهائی از خانواده بهائی اهل حصار خراسان که برای مهاجرت به اندونزی رفته و مدتی به تبلیغ دیانت بهائی پرداخت. چون عده ای با تبلیغ ایشان بهائی شدند ، خیال کرد که این استقبال از گفتار ایشان است خود را جانشین حضرت شوقی افندی دانست. در نتیجه با فشاری بر این ادعا از جامعه بهائی طرد گردید و اثری از او ادامه نیافت. "شَرری بود و در هوا افسرد" ، جالب توجه اینست که طلب رهبری و ادعای ریاست در همه ادیان دیده شده و میشود ولیکن حل قضیه بصورتی مسالمت آمیز و بدون تفرقه و کشتار نمونه ایست شاخص در دیانت بهائی.

دکتر ذبیح قربان و فراماسونی

در صفحه ۶۷۷ بخش دوم فراماسونری ، عکس دکتر ذبیح قربان را درج نموده و صفحاتی در باره این شخص با مطالبی ذکر کرده و از دیگران نقل نموده است و نوشته است ایشان بهائی بوده و دارای رفتاری ناپسند و عضو فراماسونری بوده *

پاسخ

اولاً ، دکتر قربان ابتدا بهائی بوده ولی به علت عدم رعایت احکام دیانت بهائی از جامعه بهائی طرد شد *

ثانیاً ، هیچ گاه بهائیان در فراماسونی شرکت نداشته و ندارند و این ادعائیس بی پایه *